

شباهت توافقی‌های ژنو با ایران، و با سوریه



ایران هنوز موجوداند و ایران هم چنان به غنی‌سازی اورانیوم ادامه می‌دهد، درحالی‌که تنها علت تحریم علیه ایران، غنی‌سازی اورانیوم بود بنابراین، این سخن که ایران سلاح اتمی

خود را از دست داده است فریب رسانه‌ای بیش نبوده و جدی نیست. ایران اساساً نه قادر به تولید سلاح اتمی است و نه رغبتی به داشتن آن دارد. توافق شیمیایی سوریه، اصلاً توافقی نبود این توافق فقط سند اعتراف و تسلیم رژیم سوریه به اسرائیل بدون هیچ قید و شرطی بود. توافق شیمیایی تا حد زیادی شبیه به شکست و سازش اعراب در سال ۱۹۶۷ بلکه بدتر از آن بود، زیرا آنچه در سال ۴۷ از دست رفت قابل بازیابی است اما توافق شیمیایی خیر.

حادث ۱۹۶۷ باعث محکومیت بین المللی اسرائیل شد، درحالی‌که توافق شیمیایی هیچ زیانی به این کشور نرساند. این توافق سود خالص استراتژیک برای اسرائیل بود. توافق شیمیایی در بهترین حالت خواری و رسوایی برای سوریه و شکست جدید و بزرگتری در مقابل اسرائیل بود. توافق هسته‌ای ایران قضیه‌ای کاملاً متفاوت و بهایی است که ایران در قبال تسهیل در امر توافق شیمیایی سوریه دریافت داشت هیچ شباهتی بین این دو توافق وجود ندارد، اولی، امتیاز سوریه به اسرائیل و دومی امتیاز غرب به ایران است. نتیجه این شد که غرب در مقابل ضمانتی که برای اسرائیل از ایران گرفت از حمله به این کشور چشم‌پوشی کرد.

هدف آمریکا از حمل نظامی به ایران، از لحاظ استراتژیک، ایجاد تفاهم با ایران بود، زیرا این تفاهم، بیشتر می‌تواند منافع آمریکا را تامین کند و از لحاظ تاکتیکی (یادار کوتاه مدت) برای دفاع از اسرائیل بود. توافق شیمیایی سوریه، تنها جزئی از تفاهم همه‌جانبه ایران و آمریکا و آغاز آن است. من در گذشته پیش‌بینی کردم که ایران سرانجام کوتاه خواهد آمد و در ازای دستیابی به صلح با آمریکا تضمین‌هایی به اسرائیل خواهد داد. همین اتفاق نیز افتاد. توافق شیمیایی سوریه همان تضمینی است که ایران به اسرائیل داد. سوریه، طرف معامله و مذاکره در پرونده شیمیایی خودش نبود. این

شباهت توافقی‌های

توافق در ظاهر توافق آمریکا-روسیه ولی در اصل توافق ایران-اسرائیل است روسیه و آمریکا در این میان، واسطه‌ای بیش نبودند. سلاح شیمیایی سوریه، خطری برای منافع آمریکا نداشت و خلع سلاح سوریه مصلحت مهم‌تر آمریکا نبود. با این وجود آمریکا خلع سلاح شیمیایی سوریه را خواست مهم‌تر خود جلوه داد و و آن را شرط تفاهم با ایران قرار داد، چون آمریکا می‌خواست به اسرائیل ضمانت و اطمینان استراتژیک بدهد. آمریکا معتقد است تفاهم با ایران بدون دادن ضمانت استراتژیک به اسرائیل ممکن نیست، بنابراین تصمیم گرفتند پیش از تفاهم با ایران، کل سوریه را تایید و آن را کاملاً خلع سلاح کنند. این نمایی از آن چیزی است که اتفاق افتاد حال چگونه یک ناظر جدی می‌تواند توافق هسته‌ای ایران را شبیه توافق شیمیایی سوریه بداند؟

توافق هسته‌ای ایران به جنگ با این کشور پایان داد، بدون اینکه امتیازی داده باشد. ساترینفوهای

برخی از مخالفان حکومت ایران به انگیز تحقیر این حکومت، توافق هسته‌ای ایران را شبیه توافق شیمیایی سوریه می‌دانند. این تشابه، غیرمنطقی است و هیچ کارشناسی را قانع نمی‌کند. اتهام ایران به تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی، چیزی جز دستاویز آمریکا برای محاصره و تضعیف ایران نیست. هیچ مدرکی دال بر برنام ایران برای ساخت سلاح اتمی وجود ندارد، بلکه برعکس، همه قرائن نشان می‌دهد که این ایده، آمریکا و اسرائیل است و واقعیت ندارد.

از لحاظ تئوری نیز، ساخت سلاح اتمی به نفع ایران نیست چنان‌چه ایران سلاح اتمی را تولید کند، مانند کره شمالی با محاصره امنیتی

شورای امنیت مواجه خواهد شد و تمام دوستان خود در سطح جهان و هم‌چنین اعتبار خود را از دست خواهد داد. با این کار، با پای خود از نقش جهان خارج و تبدیل کشوری پرت و منزوی خواهد شد. چه منفعتی در این سناریو برای ایران وجود دارد؟ آیا اصلاً چنین سناریویی در ایران قابل اجراست؟ رژیم ایران چه در زمین داخلی و چه در اهداف خارجی تفاوت اساسی با کره شمالی دارد تشبیه ایران به کره شمالی جدی نیست، بلکه تنها تبلیغات غربی‌ها و توجیه آمریکا برای حمل نظامی به ایران است. حمل نظامی به ایران هیچ ارتباط دور یا نزدیکی با قضی موهوم سلاح اتمی ندارد و فقط به دلیل ژئوپولیتیک است. ایران به‌عنوان کشوری دارای نفوذ گسترده که می‌تواند هیبت آمریکا در خاورمیانه و آسیا و حتی جهان را دچار خدشه کند، شعار دشمنی با آمریکا و اسرائیل سر داده است. به همین خاطر لازم شد ایران را به بازی بگیرند و آن را وارد باشگاه قدرت‌های جهانی کنند تا آمریکا بر اساس قواعد این باشگاه با آن به تفاهم برسد.